جست‌وجو

خراسانیان جلال

نگاهی به ادوار مختلف جایزه جلال آل‌احمد و حضور خراسانیان در این جشنواره

رضوانی| آیین پایانی جایزه ادبی جلال قرار است در نیمه دوم آذر برگزار شود تا این جایزه مهم و در عین حال پرحرف‌وحدیث برگزیدگان امسالش را معرفی کند. فارغ از حاشیه‌هایی که در ۱۲ دوره برگزاری جایزه ادبی جلال آل‌احمد گریبانگیر آن بوده است، این رویداد حاشیه‌ای جالب‌توجه برای ما مشهدی‌ها و خراسانی‌ها دارد. حضور درخور اعتنای اهالی این خطه در جمع برگزیدگان یا عوامل جایزه یادشده، انکارنشدنی است.

یک نمونه شاخص این حضور، تعلق گرفتن پاداش نقدی هنگفتی به یک نویسنده مشهدی به عنوان یکی از معدود نویسنده‌هایی بود که توانست ۱۱۰ سکه طلای معهود را از آن خود کند. در گزارشی که در ادامه می‌آید، نگاهی داریم به نامزدها، برگزیدگان و داوران خراسانی این جایزه در ادوار برگزاری آن که از سال ۱۳۸۷ تا امروز تداوم داشته است.

همچنین با دکتر سیدمهدی زرقانی، دکتر داوود عمارتی‌مقدم، دکتر مجتبی مجرد و هادی خورشاهیان که آثارشان در دوره‌های مختلف این جشنواره جزو نامزدهای نهایی بوده یا شایسته تقدیر شده است، گفت‌وگو کرده‌ایم.

● ۲ دوره نخست، غیبت نام‌های خراسانی

جایزه جلال در سال‌های آغازین، پاداش گران و کم‌سابقه‌ای را برای برگزیدگان خود وعده داده بود: ۱۱۰ سکه بهار آزادی. اما در دوره‌های اول و دوم برگزاری آن نامی از خراسانی‌ها در میان برگزیدگان نبود. ضمن اینکه برگزارکنندگان در دوره نخست خود را به معرفی نام داورها ملزم ندانسته بودند.

● دوره سوم؛ ۲ کتاب شایسته تقدیر در بخش نقد ادبی

در سومین دوره که سال ۱۳۸۹ برگزار شد، خراسانی‌ها در بخش نقد ادبی نمایندگانی داشتند ولی هیئت داوران این بخش هیچ اثری را حائز کسب عنوان برگزیده و دریافت ۱۱۰ سکه بهار آزادی ندانست. بااین‌حال کتاب‌های «از معنا تا صورت» اثر مهدی محبتی و «تاریخ ادبی ایران و قلمرو زبان فارسی» اثر سید مهدی زرقانی، نویسندگان خراسانی، تقدیر شدند.

دکتر زرقانی درباره این جشنواره می‌گوید: این جشنواره‌ها به صورت بالقوه می‌تواند تأثیر فراوانی هم در رواج روحیه پژوهشگری و پیش‌بردن مرزهای دانش داشته باشد و هم در جهت دادن به تحقیقات بعد از جشنواره. البته فکر می‌کنم سازوکار فعلی جشنواره در انتخاب کتاب‌ها جامع و مانع نیست. برخی از ویژگی‌های مثبت یک جایزه ادبی را دارد، ولی خیلی از اقتضائات دیگر را ندارد. فکر می‌کنم در مرحله داوری نهایی جایزه جلال، اثر بسته به اینکه ذوق ۳ داور نهایی چه باشد انتخاب می‌شود.

استاد دانشگاه فردوسی مشهد توجه به معیارهای تعریف شده علمی در این جایزه را بایسته می‌داند و اضافه می‌کند: اگر کتابی شایسته تقدیر شناخته شد، باید معلوم باشد این انتخاب براساس چه معیارهایی بوده است. البته چند معیار کلی وجود دارد ولی کافی نیست.

او همچنین به تأثیر عنصر سیاست در گزینش آثار خلاقه اشاره و اذعان می‌کند: ما نمی‌توانیم از وزارت ارشاد توقع داشته باشیم که به سیاست‌های عمومی کشور بی‌اعتنا باشد، اما گاهی احساس می‌شود در بخش آثار خلاق، نقش عنصر سیاست پررنگ‌تر است. این اثرگذاری در بخش آثار علمی کمتر است، چون معیارها قابل اندازه‌گیری است اما در بخش رمان یا داستان کوتاه احساس می‌شود فرایند داوری دقیق و اعتمادپذیر نیست. با توجه به اینکه کدام دولت و چه وزیری بر سر کار باشد جهت‌گیری جایزه تغییر می‌کند. گاهی این تغییر جهت‌ها به‌قدری زیاد است که آدم احساس می‌کند جایزه دارد بر مدار ذوق یک جریان سیاسی یا یک جریان خاص ایدئولوژیک می‌گردد و آن جنبه‌های هنری و تحقیقی به شدت تحت تأثیر قرار می‌گیرد. در هر صورت معیارها باید تعریف و اعلام شود.

● دوره چهارم؛ ۱۱۰ سکه برای «جاده جنگ»

اما یکی از مهم‌ترین حضورهای خراسانی‌ها در جایزه جلال که ازقضا حاشیه‌ساز هم شد، به برگزیده شدن رمان طویل «جاده جنگ» نوشته منصور انوری در چهارمین دوره این جایزه (سال ۱۳۹۰) و تعلق گرفتن ۱۱۰ سکه بهار آزادی به این نویسنده مشهدی -که تا پیش از این نویسنده‌ای شناخته‌شده نبود- انجامید.

انتقادهایی به این انتخاب مطرح شد از جمله اینکه رمان انوری در زمان دریافت جایزه هنوز به صورت کامل منتشر نشده بود. در سال‌های بعد جلدهای تازه‌ای از جاده جنگ و کتاب‌های کمابیش پرحجم دیگری از انوری به بازار آمد.

● دوره پنجم؛ جایزه گران و یک تقدیر دیگر

در دوره پنجم هیئت داوران هیچ کتابی را برگزیده یا شایسته تقدیر نشناخت تا انتقادها آرایش دیگری به خود بگیرد.

اما ششمین دوره (سال ۱۳۹۲) با حضور دیگرباره یک نام خراسانی در میان آثار شایسته‌تقدیر همراه شد. محمود فتوحی، استاد برجسته ادبیات فارسی، در حوزه نقد ادبی و با کتاب «سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها» شایسته تقدیر شناخته شد. البته نکته جالب‌توجه و بحث‌برانگیز این دوره این بود که هیئت داوران هیچ‌اثری را در حوزه داستان برگزیده یا حتی شایسته تقدیر ندانست. برخی این تصمیم را متأثر از سنگین بودن جایزه -یعنی ۱۱۰ سکه بهار آزادی- دانستند.

● هفتمین دوره؛ یک رمان خراسانی، یک داور مشهدی

در هفتمین دوره جایزه ادبی جلال آل‌احمد (سال ۱۳۹۳) رمان «آه با شین» نوشته محمدکاظم مزینانی از مردمان سبزوار و «ملکان عذاب» ابوتراب خسروی اهل شیراز، به‌طور مشترک اثر برگزیده معرفی شدند و به هریک از این ۲ نویسنده ۵۵ سکه اهدا شد. در بخش مستندنگاری این دوره، نام حبیبه جعفریان، نویسنده و روزنامه‌نگار مشهدی، به عنوان داور دیده می‌شد.

● هشتمین دوره؛ ۲ نامزد در بخش رمان

هشتمین دوره (سال ۱۳۹۴) با تقدیر و نامزدی بخش نهایی برای ۲ نویسنده خراسانی همراه بود. حمیدرضا صدر با رمان «تو در قاهره خواهی مرد» شایسته تقدیر شناخته شد و «عاشقی به سبک ون‌گوگ»، نوشته محمدرضا شرفی خبوشان نیز جزو نامزدهای نهایی معرفی شد.

● نهمین دوره؛ ریزش سکه‌ها در دوره داوری مشهدی‌ها

در نهمین دوره این جایزه (سال ۱۳۹۵)، سالی که سکه‌های جلال ریزش کرد و از ۱۱۰ به ۳۰ سکه رسید، محمدحسین جعفریان، نویسنده و روزنامه‌نگار و مستندساز مشهدی عضو هیئت علمی جایزه بود. همچنین خواهرش، حبیبه جعفریان که روزنامه‌نگاری شناخته شده است و سید مجید حسینی عضو هیئت داوران بخش مستندنگاری این دوره بودند.

● دهمین دوره؛ حضور پررنگ خراسانیان

در دهمین دوره این جایزه که سال ۱۳۹۶ برپا شد، نام نویسنده‌ای با تبار خراسانی مطرح شد. محمدرضا شرفی خبوشان با رمان «بی‌کتابی» به عنوان برگزیده مشترک معرفی شد و هیئت داوران درباره انگیزه دادن جایزه به او و ویژگی‌های اثرش چنین تعابیر و عبارت‌هایی را به کار برد: «استفاده از نثری شیوا در خدمت خلق شخصیت‌ها و فضای داستان، نگاه نقادانه به جامعه امروز در گستره تاریخ، آفرینش فضایی رازآلود و پررمزوراز و در عین حال داستان‌گویی قدرتمند و تصویرسازی بکر...» هیئت داوران در بخش نقد ادبی نیز کتاب «بلاغت از آتن تا مدینه، بررسی تطبیقی فن خطابه یونان و روم باستان و بلاغت اسلامی تا قرن پنجم هجری» تألیف داوود عمارتی‌مقدم را به سبب تلاش برای ریشه‌یابی فن بلاغت اسلامی و مقایسه تطبیقی آن با بلاغت یونانی و رومی در جهت احیای میراث ادبی ایرانی‌اسلامی شایسته تقدیر دانست.

دکتر عمارتی مقدم، استادیار مشهدی جوان و بادانش دانشگاه نیشابور، درمورد تأثیر این جشنواره بر دیده شدن آثار معتقد است: هر جشنواره‌ای که در این سطح و اعتبار برگزار شود، انگیزه می‌دهد و باعث تشویق است و به معرفی شدن و فروش برخی آثار کمک می‌کند. به‌ویژه که من اطلاع دارم داوری‌ها هم کاملا منصفانه و به دور از هرگونه غرض و مرضی انجام می‌شود و داورها با سلیقه‌های مختلف، از منظرهای مختلف و با مشرب‌های مختلف کار داوری را انجام می‌دهند. در حوزه ادبیات و نقد ادبی من خبر دارم که هم داور با مشرب‌های سنتی در هیئت داوران بوده است و هم داور با رویکردهای مدرن.

پیشنهاد او برای این جشنواره که در عین جدی بودن آمیخته به طنز است، برگرداندن مبلغ جایزه به همان ۱۱۰ سکه سابق است.

در این دوره، در بخش رمان، هادی خورشاهیان با «الفبای مردگان» نیز جزو نامزدهای نهایی بود. او می‌گوید: جوایزی مانند جلال همان کتاب سال است و هرکس جایزه جلال را ببرد، جایزه کتاب سال را هم برده است، یعنی هم‌زمان ۲ جایزه. از نظر من این جایزه اهمیت دارد، اما اینکه چقدر در دید مردم تأثیرگذار است جای تأمل دارد. روی‌هم‌رفته برای آن‌هایی که برنده شده‌اند، تأثیر خوبی داشته است، چنان‌که در دوره‌ای که من نامزد شدم، آقای خبوشان برگزیده شد و کتابش چند چاپ خورد.

● یازدهمین دوره؛ مستندنگاری و نقد ادبی

وقتی هیئت داوران اسامی نامزدهای بخش «مستندنگاری» یازدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل‌احمد (سال ۱۳۹۷) را اعلام کردند، نام حمیدرضا صدر بار دیگر در این جایزه به گوش رسید. او با کتاب «پیراهن‌های همیشه» به مرحله نهایی راه یافت. حبیبه جعفریان هم برای سومین بار از داوران این بخش بود.

همچنین در بخش نقد ادبی نام ۲ خراسانی رسانه‌ای شد. یکی به عنوان نامزد مرحله نهایی و دیگری به عنوان داور. دکتر مجتبی مجرد با کتاب «سنت تصحیح متن در ایران پس از اسلام» به این مرحله راه یافت که یکی از داورانش دکتر امیرعلی نجومیان، منتقد بادانش، مترجم، دانشیار دانشگاه شهید بهشتی و عضو حلقه نشانه‌شناسی تهران از اهالی خراسان بود.

دکتر مجرد درباره شیوه برگزاری و انتخاب آثار در این جشنواره می‌گوید: جایزه جلال تقریبا معتبرترین جایزه ادبی ایران است؛ مشروط به اینکه نخست تقسیم بشود، یعنی مثلا در حوزه نقد ادبی به حوزه تصحیح متون ادبی یک جایزه و به حوزه مبانی نظری متون ادبی جایزه دیگری تعلق بگیرد؛ دوم اینکه داورانی که برای این جایزه تعیین می‌شوند، در حوزه‌های گوناگون تخصص داشته باشند. او درمورد تأثیر این جایزه بر فروش آثار هم بیان می‌کند: فکر نمی‌کنم این جایزه بر فروش آثار تأثیری داشته باشد. درباره کتاب من که گمان نمی‌کنم تأثیر چندانی گذاشته باشد.

● رمان، داستان کوتاه، داور

اما امسال، در دوازدهمین دوره که فعلا نامزدهای بخش‌های مختلف آن معرفی شده‌اند، نام ۲ نویسنده مشهدی دیده می‌شود: پیام یزدانجو با رمان «روزها و رؤیاها» و حسین لعل‌بذری با مجموعه‌داستان «افتاده بودیم در گردنه حیران». هادی خورشاهیان نیز از داوران بخش رمان این دوره از جشنواره جلال است. این نویسنده خراسانی در مورد شیوه داوری می‌گوید: ما در ابتدا گروهی سه‌نفره بودیم که بعد ۲ نفر دیگر به ما اضافه شدند. همه کتاب‌ها را نگاه کردیم و چیزی که در نهایت خواندیم خیلی زیاد بود. شاید تا به حال داور ۱۰۰ جشنواره بوده‌ام اما تاکنون به این فشردگی کتاب نخوانده‌ام. ۶ کتابی که نامزد شده حاصل ساعت‌ها بحث‌های ما بوده است.

نوداد

کتاب‌فروشی مشهد در جمع برترین‌های کشور

خراسان رضوی، استان نخست در میزان فروش کتاب

خادم| طرح پاییزه کتاب از ۲۹ آبان تا ۵ آذر در کشور برگزار شد اما با مشارکت شهرداری مشهد، این طرح تا هشتم آذر در این شهر تمدید شد. مشهد مانند سال‌های گذشته در بالاترین رده‌ها از نظر تعداد فروش کتاب قرار گرفت و تا این لحظه پردیس کتاب مشهد پس از کتاب‌فروشی رشد اهواز، پرفروش‌ترین کتاب‌فروشی کشور در این طرح است.

علی رجب‌زاده، مدیر پردیس کتاب، درباره طرح پاییزه کتاب و تمدید آن می‌گوید: این طرح ناهماهنگی‌هایی داشت و از اول نمی‌دانستیم دقیقا تا چه زمانی هست، تا دیروز [چهارشنبه] که قطعی اعلام کردند که طرح عمومی تمام شده و از این روز تا جمعه با بودجه‌ای که شهرداری داده است، طرح برای مشهد ادامه دارد. این کتاب‌فروش همچنین گوشزد می‌کند: اگر این بودجه را می‌گذاشتند برای مقطعی دیگر بهتر بود، چون کسانی که می‌خواستند از طرح استفاده کنند تا حالا از کد ملی‌شان استفاده کرده‌اند. وقتی طرح عوض شود کد ملی‌ها صفر می‌شود و متقاضیان دوباره می‌توانند از آن استفاده کنند. الان فقط افرادی که هنوز خرید نکرده‌اند می‌توانند از طرحی که اختصاصا برای مشهد گذاشته شده است بهره ببرند. از طرفی چون این طرح بلافاصله بعد از نمایشگاه کتاب مشهد اجرا شد، دیگر کشش ندارد، یعنی نمایشگاه در فروش کتاب تأثیر منفی می‌گذارد.

او ادامه می‌دهد: به لحاظ زمانی هرچه طول طرح بیشتر باشد، حالت مشوقی که دارد از بین می‌رود. خوب است که حتی زمانش کوتاه‌تر اما به مناسبت‌های مختلف انجام شود. دیگر اینکه مبلغی که در نظر می‌گیرند باید بیشتر باشد. قبلا با آن ۱۰۰ هزار تومان می‌شد ۳ کتاب خرید، اما الان با ۱۲۰ هزار تومان شاید بشود ۲ و گاهی فقط یک کتاب خرید. قیمت کتاب دست‌کم ۲ برابر شده، درصورتی که بودجه از ۱۰۰ هزار تومان تنها به ۱۲۰ هزار تومان رسیده است.

اما در جریان طرح کتاب‌هایی بوده‌اند که بیشترین مخاطب را داشته‌اند. به گفته رجب‌زاده، «خودت باش دختر»، «تکه‌هایی از یک کل منسجم»، «سه‌شنبه‌ها با موری»، «دزیره»، «جزء از کل»، «اثر مرکب»، «مغازه خودکشی» پرفروش‌ترین آثار پردیس کتاب مشهد بوده‌اند.

بر پایه آماری که خانه کتاب روی تارنمای خود قرار داده است، پرفروش‌ترین استان‌ها و کتاب‌فروشی‌ها به شرح زیر است:

براساس مبلغ فروش: تهران، خراسان رضوی، اصفهان، قم، فارس، گیلان، خوزستان، مازندران، آذربایجان شرقی، کردستان.

براساس تعداد کتاب: خراسان رضوی، تهران، خوزستان، اصفهان، قم، فارس، گیلان، مازندران، آذربایجان شرقی، کرمانشاه.

پرفروش‌ترین کتاب‌فروشی‌ها: کتاب‌فروشی رشد اهواز، پردیس کتاب مشهد، دنیای کتاب قم، کتاب فرازمندرشت.

تعداد کتاب‌فروشان: تهران با ۱۰۱ کتاب‌فروش اول، و پس از آن خراسان رضوی با ۷۰ کتاب‌فروشی دوم است.

گاه‌نما

حرف را باید زد! درد را باید گفت!

۲۱ سال پس از درگذشت حمید مصدق

شریف شیرزاد| «... ما در دورانی نسبتا طولانی بعد از نیما شگردهای مختلفی را در شعر تجربه کردیم: یکی سراسر عاشقانه و لیریک بود، مثل مرحوم مشیری... . بعضی سراسر سیاسی بودند، مثل بیشترین کارهای شاملو... . بعضی، به‌گمان من، فقط سخنور بزرگ بودند، مثل نادرپور... . بعضی مرثیه‌خوان شکست بودند...، مثل اخوان بزرگ. برخی هم یکسره اشراقی یا طبیعت‌گرا بودند، مثل سهراب سپهری... . باری، اما حمید مصدق معجون یا مجموعه‌ای از همه سبک‌وسیاق‌ها بود.» این‌ها را منوچهر آتشی نوشته و درست هم نوشته است. شعر حمید مصدق که اکنون سخن از اوست در طول دوران شاعری این شاعر هرگز بر یک سبک‌وسیاق نبوده است؛ از «درفش کاویان» (۱۳۴۱)، اولین کتاب شاعر که مشتمل بر منظومه‌ای حماسی است، گرفته تا «شیر سرخ» (۱۳۷۶)، آخرین مجموعه شعر او که دربردارنده قطعاتی غنایی است، جملگی این را تأیید می‌کنند. مصدق معتقد بود: «هر اثر هنری باید نماینده هنرمند و زمان او باشد.... شعر زمان ما شعر مردم این روزگار و نمایانگر محیط آن‌هاست.»

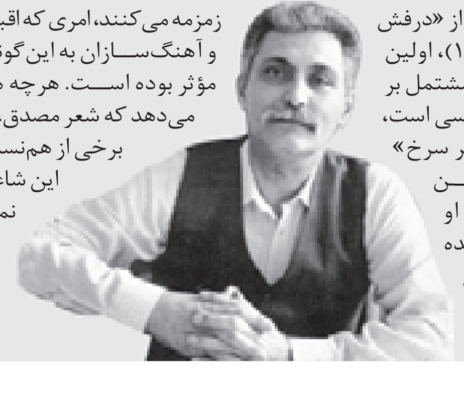

این نشان می‌دهد که او کاملا آگاهانه کار خود را پیش می‌برده است. اگر به برخی اشعار مصدق که حکم مَثَل سایر را پیدا کرده‌اند، مثلا «من اگر برخیزم/ تو اگر برخیزی...» یا «تو به من خندیدی»، دقت کنیم، تنوع و تکثر آن‌ها را در خواهیم یافت، اگرچه هر روز که می‌گذرد اشعار عاشقانه این شاعر بیشتر نمود می‌یابند و حالا خیلی از جوان‌ها فقط «چه کسی باور کرد» یا «دشت‌ها نام تو را می‌گویند» یا «مرا با سوز جان بگذار و بگذر» را با خود زمزمه می‌کنند، امری که اقبال خوانندگان و آهنگ‌سازان به این گونه حتما در آن مؤثر بوده است. هرچه هست نشان می‌دهد که شعر مصدق، برخلاف شعر برخی از هم‌نسلان او که شعر این شاعر را اصلا شعر نمی‌دانستند، همچنان زنده است.

به روایت تصویر

اسوه صبر در ساحت شهر

از دیوارنگاره شهید محمدحسین بصیر به‌صورت نمادین رونمایی شد

محبوبه عظیم‌زاده| هم‌زمان با پایان نقاشی دیوارنگاره شهید محمدحسین بصیر، فرمانده گردان کوثر، در بولوار وکیل‌آباد (تقاطع بولوار جلال آل احمد)، شب گذشته با حضور خانواده این شهید و جمعی از دوستان و هم‌رزمانش، از این دیوارنگاره به‌صورت نمادین در فرهنگ‌سرای شهر زیبا و ایمن رونمایی شد.

محمود جنگی، از اعضای کانون شهید بصیر، در رابطه با این شهید و شکل‌گیری این اتفاق گفت: از سال ۹۴ من و همکارانم به‌واسطه یک شهید گمنام در منطقه عملیاتی بدر با محمدحسین بصیر آشنا شدیم. پیش‌تر نام این شهید را شنیده بودیم، اما آن‌چنان که باید، از ایشان شناختی نداشتیم. بعد از آشنایی بیشتر سعی کردیم یک کار تاریخی‌پژوهشی را در رابطه با این شخصیت بزرگوار به انجام برسانیم. به این منظور تا آنجا که توانستیم، اطلاعاتی از کل کشور درباره ایشان جمع‌آوری کردیم و در نهایت ماحصل تمام تلاش‌ها شد کتاب «دریا دریا ستاره» که در رابطه با زندگی شهید محمدحسین بصیر به چاپ رسیده است. هدف ما از این کار، معرفی این شهید به مردم و به‌خصوص نسل جدید بود. دیوارنگاری چهره شهید بصیر در شهر نیز با همین هدف انجام شد. همکاری همه‌جانبه مردم، شهردار و مسئولان مرتبط و تلفیق یک نقش و طرح ایرانی با حوزه دفاع مقدس و فضای حماسی و ادبی، ازجمله نقاط مثبت این اتفاق بود. دوست داشتیم نشان بدهیم که شهدای ما، هم برای اسلام و هم برای وطنشان از جان گذشته‌اند.

در ادامه سرهنگ نعمتی، از هم‌رزمان و هم‌محله‌ای‌های شهید بصیر نیز با اذعان به این نکته که زبان از بیان ویژگی‌ها و خصلت‌های ارزنده این شهید بزرگوار قاصر است، گفت: محمدحسین بصیر از همان سن کم و دوران نوجوانی و زمانی که انقلاب هنوز پیروز نشده بود، یک نیروی کاملا فرهنگی و در خدمت اسلام و انقلاب بود.

احمد منصوب، طراح و نقاش این دیوارنگاره نیز درباره این رویداد به شهرآرا گفت: اینکه من توانستم این کار را انجام دهم، یک توفیق و سعادت الهی بود. به گفته او که حدود ۳۰ سال در کار نقاشی تجربه دارد، به پایان رساندن این اثر حدود ۲ماه زمان برده است: «تمام تلاشمان را کردیم تا از نظر شباهت‌سازی، طراحی و به کارگیری تمام عناصر هنری آمیخته با کار، دیوارنگاره یک اثر منسجم و مقبول و مطلوب باشد.»

عکس: سعید گلی | شهرآرا

رویداد

«سرخ‌پوست»؛ در شبکه نمایش خانگی

آخرین خبر درباره آخرین ساخته نیما جاویدی منتشر شد

نگار راد| موسسه تصویرگستر پاسارگاد، فیلم سینمایی «سرخ‌پوست»، ساخته تحسین‌شده نیما جاویدی، کارگردان خراسانی، را از صبح روز گذشته در شبکه نمایش خانگی توزیع کرده است. این فیلم با بازی بازیگرانی چون نوید محمدزاده، پریناز ایزدیار، آتیلا پسیانی، ستاره پسیانی، حبیب رضایی و مانی حقیقی با نمایش در سی‌وهفتمین دوره جشنواره فیلم فجر، توانست سیمرغ بلورین ویژه هیئت داوران جشنواره را از آن خود کند. دومین ساخته نیما جاویدی در جشن خانه سینما نیز تندیس بهترین فیلم، بهترین بازیگر نقش اول مرد، بهترین فیلم‌برداری و بهترین جلوه‌های ویژه را از آن خود کرد. «سرخ‌پوست» در اکران‌های عمومی‌اش نیز با استقبال مخاطبان روبه‌رو شد و درمجموع به فروشی ۱۵ میلیاردی دست پیدا کرد.

تقدیر از رضا عطاران

نخستین آیین سپاس تهیه‌کنندگان سینمای ایران برگزار شد

در نخستین آیین سپاس تهیه‌کنندگان سینمای ایران که با هدف تجلیل از چهره‌های ماندگار و موثر در عرصه تهیه‌کنندگی سه‌شنبه شب در تهران برگزار شد، پردیس سپاسِ نخستین آیین سپاس تهیه‌کنندگانِ سینمای ایران، به رضا عطاران (چهره موثر در فیلم‌های پرمخاطب کمدی) اهدا شد. نیکی کریمی، بهرام رادان، تینا پاکروان و پیمان معادی از دیگر بازیگرانی بودند که در این رویداد سینمایی از آنان تقدیر شد.

رضا عطاران، بازیگر محبوب مشهدی

که در سال ۹۸ با هیچ فیلمی روی پرده سینماهای کشور نبود، احتمالا با فیلم سینمایی «انفرادی» به کارگردانی مسعود اطیابی، که فرم حضور در جشنواره فیلم فجر امسال را پر کرده‌است به این وادی بازخواهد گشت.

همراه با فجر ۹۸

اخبار در «دست‌انداز»

حواشی درباره جدیدترین ساخته کمال تبریزی ادامه دارد

سبزه قبا| درحالی که اخبار جشنواره فجر حاکی از این بود که کمال تبریزی در سکوت خبری مشغول ساخت فیلم «رستگاری جهان» (با اسم قبلی «در کمال بی‌شعوری») به تهیه‌کنندگی محمد آفریده است، بالاخره معلوم شد این سینماگر، کار را تا فراهم شدن امکانات و شرایط مورد نیاز به تعویق انداخته است. در کمال ناباوری اخباری منتشر شده است که تبریزی بعد از به تعویق انداختن «در کمال بی‌شعوری» دارد فیلم سینمایی «دست‌انداز» را برای حضور در جشنواره فجر می‌سازد و کار فیلم‌برداری‌اش هم از نیمه گذشته است. بازهم محمد آفریده تهیه‌کنندگی فیلم تبریزی را عهده‌دار است و فرزاد فخری‌زاده، نویسندگی فیلم‌نامه‌اش را انجام داده که در آن مایه‌ای از طنز را گنجانده است. تاکنون رضا کیانیان، رؤیا نونهالی، هدی زین‌العابدین، امید نعمتی و همایون ارشادی برای این فیلم جلوی دوربین رفته‌اند.

برخورد «قاتل وحشی» با مشکل مالی

فیلم حمید نعمت‌ا... به فجر نمی‌رسد

بازهم مشکلات مالی گریبان یکی از فیلم‌های سینمایی درحال تولید را گرفت و آن را به ورطه تعطیلی کشاند. «قاتل وحشی» حمید نعمت‌ا... که در مرحله تولید و تصویربرداری بود، به‌علت مشکلات مالی متوقف شد. ظاهرا این فیلم که شهریور امسال کلید خورده، برای شرکت در سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر متقاضی بوده است. محمدصادق رنجکشان که پارسال برروی پنج فیلم سینمایی سرمایه‌گذاری کرده بود و امسال هم سه فیلم «سرخ‌پوست»، «سرکوب» و «روسی» با سرمایه او روانه پرده سینماها شده است، سرمایه‌گذار «قاتل وحشی» است. لیلا

حاتمی، شهرام حقیقت‌دوست، امین حیایی و ستاره اسکندری از بازیگران تازه‌ترین فیلم حمید نعمت‌ا... هستند که باید منتظر حل‌وفصل مشکل مالی «قاتل وحشی» باشند تا شاید این فیلم بتواند از پس مشکلات خود بربیاید و به جشنواره فجر امسال برسد.

کتابخوان

درباره وزیری و تحولی که در موسیقی ایران پدید آورد

بزازان| کتاب «اخبار و اسناد کلنل علی‌نقی وزیری» از تازه‌های نشر موسیقی ماهور است که با قیمت ۶۰هزار تومان در کتاب‌فروشی‌های سراسر کشور توزیع شده است. این کتاب به کوشش مهدی نورمحمدی، تدوین و بخش مهمی از اطلاعاتش از مطبوعات عصر قاجار و پهلوی و آرشیو اسناد ملی تهیه شده است. در بخشی از مقدمه کتاب به قلم نورمحمدی می‌خوانیم: «کلنل علی‌نقی وزیری یکی از سرشناس‌ترین موسیقی‌دانان و چهره‌های فرهنگی ایران در قرن حاضر است. او دارای شخصیتی جامع در عرصه موسیقی بود و با موسیقی سنتی و مبانی موسیقی غربی به‌خوبی آشنایی داشت. تبحر در نوازندگی تار و ویلن، تالیف کتب آموزشی، آهنگ‌سازی، رهبری ارکستر، تاسیس مدرسه موسیقی و پرورش شاگردان متعدد، تاسیس کلوپ موزیکال و اجرای کنسرت‌های گوناگون، داشتن سمت‌های اداری در تشکیلات موسیقی و استادی دانشگاه، همه نشانگر توانایی‌های این شخصیت بزرگ فرهنگی است. وزیری نماد بارز یک دوران خاص در ایران محسوب می‌شود، زیرا در عصری که حرکت‌هایی به‌منظور نوسازی در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در ایران آغاز شده بود، با تأسیس مدرسه عالی موسیقی و کلوپ موزیکال و اجرای کنسرت‌هایی که برخی از آن‌ها با سخنرانی درباره اهمیت موسیقی و جایگاه آن همراه بود، تحولی در موسیقی ایرانی پدید آورد و اقدامات او مورد حمایت و تأیید منورالفکران و تجددخواهان آن زمان قرار گرفت. در مقابل، عده‌ای از هواداران مکتب موسیقی قدیم که آثار وزیری را انحراف از مبانی موسیقی سنتی و آسیبی جدی به اصالت‌های آن می‌دانستند، به نقد افکار او پرداختند و عملکردش را به‌طور جدی زیر سؤال بردند.» علاقه‌مندان می‌توانند برای تهیه آنلاین این کتاب، به سایت انتشارات ماهور مراجعه کنند.

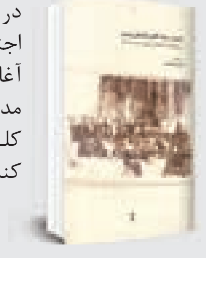

هنر شهری

روایت دیدار

شهرآرا بازدید چهره‌های فرهنگی از سردیس‌های نخستین سمپوزیوم مجسمه‌سازی مشهد را گزارش می‌دهد

عکس: عباسی- کرمانی | شهرآرا

افخمی‌راد- زوزنی| نخستین سمپوزیوم مجسمه‌سازی مشهد، روزهای پایانی خود را سپری می‌کند و ساخت ۲۰ سردیس به مراحل پایانی خود نزدیک شده است. در روزهای گذشته نیز افراد مختلفی ازجمله مدیران شهری و شخصیت‌های فرهنگی و هنری از محل برگزاری این رویداد و مراحل شکل‌گیری این ۲۰ اثر هنری دیدن کردند. حمیدرضا موحدی‌زاده، نائب‌رئیس شورای اسلامی شهر مشهد، برزو ارجمند، بازیگر، عباس اخوین خوش‌نویس، محمدجعفر یاحقی پژوهشگر و نویسنده، قاسم رفیعا شاعر و طنزپرداز، محمدکاظم کاظمی، شاعر و نویسنده و محمد نیک، شاعر، به‌همراه جمع دیگری از شاعران ازجمله افرادی بودند که در روزهای گذشته برای بازدید از آثار به چهارسوق هنر رفتند. در این گزارش با برخی از این افراد هم‌کلام شده و نظرشان را درباره برگزاری این سمپوزیوم در مشهد جویا شده‌ایم.

● ۶۱سال با صداقت کار کردم

عباس اخوین، خوش‌نویس پیش‌کسوت خراسانی که سردیسش در نخستین سمپوزیوم مجسمه‌سازی مشهد ساخته می‌شود، روز گذشته از این رویداد، بازدید و مراحل ساخت سردیس خودش را تماشا کرد. اخوین ضمن تشکر از محسن دستجردی، سازنده سردیسش، گفت: برگزاری این رویداد و ساخت سردیس من در کنار دیگر مفاخر حس خوبی دارد و من از این اتفاق راضی هستم و به استادان و دست‌اندرکاران مشهدی که این سمپوزیوم را برگزار کردند، تبریک می‌گویم. او در ادامه، سمپوزیوم مجسمه‌سازی را این‌گونه معرفی کرد: به نظر من، این رویداد درواقع قدردانی از کسانی است که با صداقت کار کردند. من هم ۶۱ سال با صداقت و با وجدان بیدار کار کردم. ازسوی دیگر برگزاری این سمپوزیوم با هدف آگاهی‌بخشی به مردم، اتفاق مثبتی است و می‌تواند در روحیه آن‌ها تاثیرگذار باشد. این هنرمند در پایان صحبت‌هایش از عموم مردم دعوت کرد تا در روزهای برگزاری سمپوزیوم با مراجعه به چهارسوق هنر از مراحل شکل‌گیری سردیس‌ها دیدن کنند.

● رویدادی موثر بر فضای فرهنگی شهر

محمدجعفر یاحقی، پژوهشگر و نویسنده، پرداختن به آثار حجمی و کارهایی را که به هنر عینیت می‌بخشند، از این نظر که همه‌چیز را برای مردم ملموس می‌کنند، دارای اهمیت دانست. به گفته او، بسیاری از شخصیت‌هایی را که تندیسشان اینجا ساخته می‌شود، خیلی‌ها نمی‌شناسند، از این‌رو وقتی بازدیدکننده این سردیس‌ها و مجسمه‌ها را می‌بینند، به فکر می‌افتد و برای شناخت آن‌ها به تامل واداشته می‌شود. یاحقی با اشاره به جای خالی چنین رویدادی در مشهد گفت: از آنجایی که در مشهد مثل برخی شهرهای دیگر پرداختن به فعالیت‌های هنری چشمگیر نیست، برپایی این سمپوزیوم حرکت خوبی بود که شهرداری آغاز کرد؛ کار شایسته‌ای که درهرحال تاثیر خودش را بر فضای فرهنگی مشهد خواهد گذاشت.

او همچنین ضمن تحسین انتخاب شخصیت‌های گوناگون از طیف‌های مختلف برای ساخت سردیس‌ها، ابراز امیدواری کرد که برگزاری چنین رویدادهایی ادامه داشته باشد.

به نظر یاحقی، این سمپوزیوم کانال خوبی برای ارتباط عموم با چهره‌ها و شخصیت‌هایی است که فقط برای اهل فضل، هنرمندان، اهل دانش و متخصصان این رشته‌ها شناخته شده‌اند.

● سمپوزیوم بدون خودنمایی است

یکی دیگر از بازدیدکننده‌های این رویداد فرهنگی‌هنری، تنها پسر مرحوم انوشیروان ارجمند، برزو، بود. او که در صفحه اینستاگرامش نیز پستی درباره این سمپوزیوم منتشر کرده بود، عصر دیروز به سالن استاد سلطانعلی مشهدی آمد تا هم به هنرمندان و استادان حاضر در این رویداد خداقوتی گفته باشد و هم از سردیس پدر فقیدش دیدن کند.

برزو ارجمند که وارد غرفه استاد نادر قشقایی، محل ساخت سردیس مرحوم انوشیروان ارجمند شد، با دیدن سردیس پدر نتوانست جلو اشکش را بگیرد و با چشمانی اشک‌آلود بازدیدش را به پایان رساند. ارجمند پسر، در خلال این بازدید با استاد قشقایی درباره ویژگی‌های اخلاقی و ظرافت‌های فیزیکی صورت پدرش گفت‌وگو کرد و او را برای دستیابی به سردیسی با فضایی نزدیک به شخصیت این هنرمند فقید یاری کرد. بعد از این گفت‌وگو که چندین دقیقه به طول انجامید، برزو ارجمند در گفت‌وگو با شهرآرا نظرش را درباره اهمیت برگزاری سمپوزیوم گفت: «در اهمیت این سمپوزیوم کسی شک ندارد، اما باید به آن چیزی که در اتاق فکر این سمپوزیوم مطرح شده تا به این خروجی برسند، توجه کرد؛ ایده‌ای که بدون خودنمایی است و گامی است برای ارتقای فرهنگ یک شهر و برای اینکه جوانان ما مفاخر شهرشان را بشناسند و دنبال این باشند که بدانند آن اشخاص فاخر چقدر برای مشهد زحمت کشیده‌اند. کسی نیست که بگوید این سمپوزیوم اتفاق مهمی نیست». او برای تداوم حرکت‌هایی نظیر این سمپوزیوم پیشنهاد داد ایده‌پردازان این کار را تشویق کنند: «به نظرم تشویق باید جایی صورت بگیرد که این فکر و این ایده پرورش یافته و به ثمر رسیده است. اگر ایده‌پردازان و پرورش‌دهندگان این ایده تشویق شوند، می‌توان از فکرها و ایده‌های بعدی‌شان برای رشد، توسعه و شناخت فرهنگی و هنری این شهر استفاده کرد».

● فرصتی برای معرفی مفاخر شهر

محمدکاظم کاظمی، شاعر و نویسنده، نیز برپایی چنین رویدادهایی در مشهد را ضروری و باارزش دانست. به گفته او مشهد و در کل خراسان، دارای مفاخر بسیاری است که حتی خود اهالی خراسان یا مشهد نیز ممکن است درباره آن‌ها شناخت نداشته باشند. این شاعر با اشاره به توازن نداشتن مفاخر و مشاهیر در محیط شهری مشهد گفت: در مشهد بسیاری از مفاخر و مشاهیر حوزه‌هایی مثل ادبیات، هنرهای تجسمی و دانش و فلسفه در انزوا مانده‌اند، از این‌رو برگزاری چنین رویدادهایی می‌تواند به معرفی آن‌ها کمک کند. به نظر کاظمی، پرداختن به افرادی که آثارشان در سراسر کشور دیده می‌شود اما در مشهد گم‌نام هستند، اتفاق ویژه‌ای است که در این سمپوزیوم رخ داده است.

● لذت تماشای مراحل تولید یک اثر

قاسم رفیعا، شاعر و طنزپرداز، نیز دورهم جمع شدن افراد هنرمند برای خلق آثار هنری را اتفاقی بی‌نظیر در مشهد دانست. به گفته او سمپوزیوم مجسمه‌سازی، علاوه‌بر اینکه کارگاهی آموزشی برای دانشجویان حوزه مجسمه‌سازی است، برای عموم مردم نیز جذابیت دارد و آن‌ها می‌توانند از این طریق با شکل‌گیری یک اثر هنری آشنا شوند. رفیعا درباره تاثیرگذاری این رویداد بر معرفی مشاهیر و مفاخر مشهد به مردم توضیح داد: قطعا برپایی این رویداد می‌تواند تاثیرگذار باشد؛ به‌طور مثال من از دوستان شاعر را می‌شناسم ولی ممکن است یک نقاش معروف را نشناسم. همین موضوع برای من ایجاد سوال می‌کند که چطور نام او درمیان این ۲۰نفر جا گرفته است، بنابراین می‌روم و درمورد این شخصیت، تحقیق می‌کنم. این شاعر در پایان صحبت‌هایش گفت: من فقط با اسم «سمپوزیوم» ارتباط برقرار نکردم و امیدوارم یک اسم خوب نیز برای دوره‌های بعدی این رویداد انتخاب شود.

● یک مجسمه می‌تواند دنیایی از مفهوم را منتقل کند

حمیدرضا موحدی‌زاده، نایب‌رئیس شورای اسلامی شهر مشهد نیز روز گذشته از این سمپوزیوم بازدید کرد. او با بیان اینکه هنر، مهم‌ترین دریچه انتقال مفاهیم بزرگ و ابزاری ارزنده برای الگوسازی و هدایت نسل جوان است، گفت: یک مجسمه می‌تواند دنیایی از مفهوم را منتقل کند؛ بنابراین این سمپوزیوم کار بسیار بزرگ، ماندگار و اثربخشی است: «شهر ما بیش از این به چنین کارها نیاز دارد؛ اینکه بتوانیم در قالب مجسمه، مفاخر شهر را به مردم معرفی کرده و امکان پیوند نسل جوان را با گذشته خود با هدف ساختن آینده مهیا کنیم، باید مهم‌ترین رسالت چنین برنامه‌هایی باشد.» به گفته این عضو شورای شهر، از فایده‌های چنین برنامه‌های هنری این است که جوانان متوجه شوند این شهر پیش از این و تا امروز مهد چه بزرگانی در عرصه‌های گوناگون هنر، فرهنگ، ورزش و دفاع از کشور بوده است. این اقدامات می‌تواند به‌نوعی الگوسازی برای جامعه باشد تا راه جوانان در هنر و فرهنگ و ورزش و سایر فعالیت‌های اجتماعی روشن شود: «این اقدام بسیار مثبت است و شورا به‌طور همه‌جانبه پشتیبان این برنامه‌ها خواهد بود؛ از نظر ما چنین اقداماتی سرمایه‌گذاری است و نباید به چشم هزینه به آن‌ها نگریسته شود.» به نظر این عضو شورای شهر، باید نقاط ضعف و قوت این پروژه نیز بررسی شود و به دنبال بزرگ‌تر کردن این برنامه باشیم: «این کار برای آغاز و به‌عنوان اولین سمپوزیوم، پذیرفتنی است، اما امیدواریم امکانات نصب و انتشار این آثار فراهم شود.» موحدی‌زاده فضای اجرایی سمپوزیوم را آموزنده و روح‌افزا برشمرد: «در گفت‌وگو با هنرمندان چیزهای جدیدی آموختم. آن‌ها از فضای کاری ایجادشده به‌دلیل مهیا بودن امکانات لازم رضایت داشتند و از شهرداری و مدیریت‌شهری برای ایجاد فضای اجتماع و خلق آثار و ارتباط با هم تشکر می‌کردند.» او ابراز امیدواری کرد شرایط بازهم بهتر شود و مدیریت‌شهری بتواند بزرگان و نام‌آوران مشهد را به نسل‌های تازه معرفی کند.

در ستایش «در جست‌وجوی فریده»

نقد «هالیوود ریپورتر» درباره اثر مستندساز خراسانی

گروه هنر| حضور مستند «در جست‌وجوی فریده»، ساخته کوروش عطایی و آزاده موسوی که نماینده ایران در شاخه بهترین فیلم بین‌المللی (خارجی) اسکار ۲۰۲۰ است، تاکنون بازخوردهای متفاوت داخلی و خارجی داشته است. یکی از این بازخوردها درباره نخستین مستند ایرانی حاضر در اسکار به قلم دبورا یانگ است. یان در مطلبی که در هالیوود ریپورتر منتشر کرده، نوشته است: «این مستند که با حساسیت و ظرافت ساخته شده، مخاطب را با خود به سرزمینی می‌برد که پیش از این در سایر فیلم‌های معاصر ایرانی کمتر دیده شده و بیننده را با قلب خانواده‌های سنتی و ارزش‌های آن‌ها آشنا می‌کند؛ مردمانی که باوجود اعتقادات مذهبی سفت و سخت، از وی به‌عنوان یکی از خودشان که پس از سال‌ها بازگشته، با روی باز و با هیجان فراوان استقبال می‌کنند.» او در ادامه به حس تعلیقی که در فیلم وجود دارد، اشاره کرده و «در جست‌وجوی فریده» را اثری سرشار از اشک و لبخند خوانده و آورده است: «تضاد کامل میان رفتار منطقی خانواده هلندی که فریده را در دوسالگی از یک یتیم‌خانه در تهران به فرزندخواندگی پذیرفتند و احساسات مهارنشده ایرانی‌هایی را که فریده را پس از سال‌ها ملاقات می‌کنند، شاید بتوان چشمگیرترین جنبه این مستند دانست.»

«در جست‌وجوی فریده» که بخش‌های اصلی آن در مشهد تصویربرداری شده است، دومین فیلم مشترک مستند عطایی و موسوی است. آن‌ها پیش‌تر در مستندی با عنوان «ایران، یک جدایی» که سال ۲۰۱۳ ساخته بودند، واکنش‌های داخلی به کسب جایزه اسکار بهترین فیلم خارجی توسط اصغر فرهادی را بررسی کردند.

زندگی با سینما

اکران «آخرین داستان»

پویانمایی درباره یکی از داستان‌های شاهنامه به‌روی پرده رفت

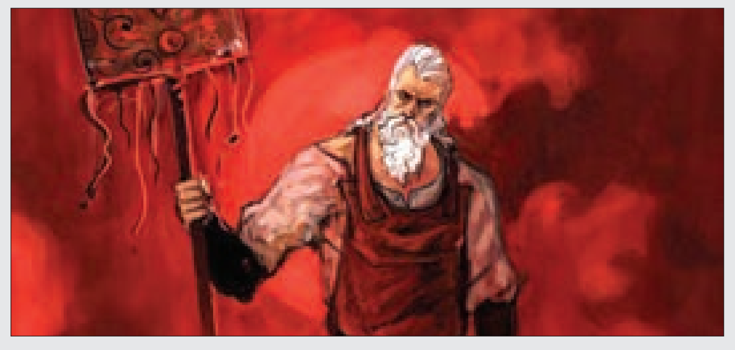

پویانمایی «آخرین داستان» به نویسندگی و کارگردانی اشکان رهگذر از روز گذشته اکرانش را در برخی سینماهای کشور آغاز کرده است. «آخرین داستان» اولین پویانمایی بلند سینمایی است که ساخت آن، نزدیک به ۱۰سال طول کشیده است. داستان این فیلم برداشتی آزاد از روایت «ضحاک» در شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی است.

در بخشی از خلاصه داستان این فیلم آمده است: «در دورانی که سایه اهریمن بر سرزمین‌ها سیطره یافته، «جمشید کی» در مقابل سپاهیان اهریمن صف‌آرایی می‌کند و به خواست یزدان بر اهریمنیان ظفر می‌یابد. او مغرور از ظفر، خود را دارای فراست ایزدی می‌داند، پس یزدان از وی روی برگرداند و فر او را می‌ستاند. جمشید، گرفتار جنونی سیری‌ناپذیر می‌شود. او دخترش «شهرزاد» را تنها می‌گذارد و با سپاهی از غیورترین سربازانش برای شکار اهریمن عازم سرزمین‌های شمالی می‌شود. با رفتن جمشید، کودکی در دل مردمان سرزمین «جمکرد» در آغوش کشاورززاده‌ای متولد می‌شود که نامش را «آفریدون» می‌گذارند. در همین حال خبر می‌رسد که مرداس مرده است و فرزندش «ضحاک» برای به‌عهده گرفتن زمام تاج و تخت جمشید به جمکرد می‌آید.» این پویانمایی که برنده اولین سیمرغ بلورین بهترین پویانمایی سینمای ایران از سی‌وهفتمین دوره جشنواره فیلم فجر است، در عرصه‌های بین‌المللی نیز حضور پررنگی داشته و جوایز متعددی کسب کرده است. لیلا حاتمی، پرویز پرستویی، حامد بهداد، شقایق فراهانی و باران کوثری ازجمله صداپیشگان این پویانمایی سینمایی هستند. کریستف رضاعی نیز ساخت موسیقی این اثر را برعهده داشته است.